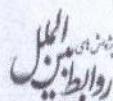


ن سعدی با
مورد صلح

ایرانیان، گفتگومندی و صلح: همسانی منزلت «من» و «رقیب» در غزلیات حافظ

مهدی نجف زاده^۱



۲۳۹

دوره پنجم مقالات
پنجمین همایش مقالات
ایران ایران روابط زین اندیل
صلح و روابط بین اقلیت‌ها
روزگرد ایران - اسلامی

۱۳۹۱ دی ۱۱

چکیده

غزل حافظ را شاید بتوان شفاف‌ترین آینه جامعه ایرانی دانست. اقبال جامعه ایران به حافظ در مسیر تاریخ به نقصان نبوده، همواره بازتابی از درک ایرانیان از خود و محیط پیرامون خود در شعر این غول‌سرای قرن هفتم وجود داشته است.

بر اساس منطق مکالمه «باختین» نویسنده این مقاله مدعی است، شعر حافظ بر پایه چند صدایی قرار گرفته و صدای‌های بسیاری از آن شنیده می‌شود. این چند صدایی که در آن همه صدایها به شیوه‌ای مساوی بازتابانده می‌شوند موجب گفتگومندی می‌شوند.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

حافظ میان این صدایها داوری نمی‌کند و موقعیتی همسان برای سخن‌گویان فراهم می‌آورد به نحوی که صدایی بر صدای دیگر مسلط نیست و همه در شرایط صلح به گفتگو مشغولند. بنابراین از رهگذر سخن، گفتگو مندی و در بستر گفتگو مندی «صلح» جریان می‌باید.

یکی از مهمترین صدایهایی که در غزل حافظ به گوش می‌رسد «رقیب» است که در گفتگویی مداوم با «من» قرار دارد. به نحوی عجیب، رقیب در شعر حافظ موجودیتی مستقل دارد و پذیرش آن در متن همچون سوره و نه ایزه صورت می‌گیرد. شاید بتوان «رقیب» این مفهوم سنتی به کاررفته در ادبیات ایرانی را با واژه «دیگری» در زبان امروزی قیاس کرد. همسانی متزلت رقیب و من در شعر حافظ موجب می‌شود تا شرایط گفتگومندی با دیگری فراهم شود. صلح ایرانی از این منظر در بستری از چندصدایی جریان می‌باید و مروت با دوستان و مدارا با دشمنان از جمله دقایق اصلی آن است. اگر شعر جافظ بر بافتار جامعه ایرانی رقم خورده است در آن صورت اولاً بازتاب دهنده چندصدایی جامعه ایرانی است و ثانیاً آنچه جامعه ایرانی از آن سخن می‌گوید «صلح» و نه «ماجراء» است.

واژه‌های کلیدی: ایرانیان، چند صدایی، گفتگومندی، صلح، دیگری، حافظ.

صلح در ادبیات ایران: الگویی برای همگان

دکتر احمد نقیب زاده^۱

چکیده:

بعد از دین، ادبیات نزدیک ترین حوزه به روح و روان انسان هاست و تأثیر مستقیمی بر نگرش و رفتار انسانها دارد. ادبیات همچنین مهم ترین عامل در فرهنگ سازی است. زیرا ارزشها و هنجارها به گونه‌ای عاطفی در ذهن و جان آدمیان منقوش می‌سازد. در نوشته‌هایی که رابطه خلاقان حوزه ادبیات با مردم برقرار بوده، رمزگانهای ارزشی و مقاهم فلسفی و اجتماعی نه تنها گسترش کمی پیدا کرده است بلکه در ژرفا و لایه‌های زیرین جامعه هم نفوذ کرده است. بر این اساس برای اصلاح کثره‌بیهای رفتاری یا دوری